

## امسال چرا در روز عاشورا چنین شد؟ چهره اصلی جنایتکار این حادثه از کجا که ایران نباشد؟

«خدایا!

اگر باطل را نمی توان ساقط کرد می توان رسوا ساخت اگر حق را نمی توان استقرار بخشید می توان اثبات کرد طرح کرد و به زمان شناساند و زنده نگه داشت. علی شریعتی»

تنوع ادیان و مذاهب با تنوع اقوام در افغانستان هیچ وقت مانع وحدت ملی درین کشور نبوده نیست، بل برعکس موجودیت این تنوع خود پیش زمینه بوده تا در برابر دشمنان وطن افغانها برادر وار کنار هم باشند. مثال زنده این همزیستی برادرانه اقوام در افغانستان وجود حماسه های است که در طول تاریخ بار بار آفریده شده و دشمنان را از حرم کشور رانده اند. با این چنین خصیصه نیک، چه شد که در روز دردناک مقدس عاشورا حادثه خونین دیگری بر درد های مردم افزوده گشت و پیروان هر دو مذهب را بیشتر در ماتم نشاناد؟

قبل از پاسخ به این پرسش به دید آقای داؤد ناجی تحلیل گرسیاسی و گزارشگر بی بی سی توجه کنید که می نویسد:

" اکثریت افغانها سنی مذهب اند اما، تمامی سنی های افغانستان احترام عمیق و جدی به پیشوای مذهبی شیعیان، علی بن ابی طالب دارند.

مرقدی که در مزار شریف در شمال افغانستان به امام اول شیعیان و خلیفه چهارم اهل سنت، علی منسوب است، زیارتگاه عام و خاص است و همه کسانی که بصورت داوطلبانه و حتی رایگان در حرم این زیارتگاه کار می کنند سنی هستند.

سنی های افغانستان روز عاشورا را نیز گرامی می دارند، آنها در این روز نذر می کنند و به "به زیارت اهل قبور می روند".

از این رو کشتن، صرفاً به دلایل مذهبی، در افغانستان از سوی مردم این کشور حمایت نمی شود. حتی طالبان با آنکه علیه شماری از گروه های قومی آشکارا اعمال تبعیض می کردند، اما همواره از اینکه پنداشته شود طالبان تبعیض مذهبی روا می دارند، ابا داشتند.

رویکرد مردم نسبت به پیشوایان مذهبی، در افغانستان چیزی است که این کشور را از کشورهای همسایه اش از جمله پاکستان متمایز می سازد. در پاکستان گروه هایی هستند که به کشتن فرقه های مذهبی دیگر افتخار می کنند و رسماً مسوولیت قتل هایی با انگیزه های مذهبی را عهده می گیرند.

در ایران نیز روا داشتن تبعیض مذهبی، امر پنهانی نیست و از سوی بخشی از جامعه و همچنین حاکمیت حمایت می شود. در حالی که مقامهای عمدتاً سنی مذهب افغانستان حتی شخص رئیس جمهوری، روز عاشورا به تکایا می روند و با شیعه ها در برگزاری مراسم مذهبی شان شریک شده اند.

در سالهای اخیر اما یک چیز تغییر کرده است و آن نحوه برگزاری مراسم محرم است، عزاداری عاشورا بطور سنتی در تکیه خانه ها و مساجد برگزار می شد اما در سالهای اخیر، عزاداران کاروانهای هیات عزا داری تشکیل می دهند و از یک محل به محل دیگر می روند.

مناطق از شهر را سیه پوش می کنند، با پارچه های نسبتاً **لوکس** که بصورت خاص و با شعارهای ویژه تزئین شده اند.

در نخستین روزهای محرم که من در کابل بودم، با سه چهار تن از جوانانی که در غرب کابل، سردری را سیاه پوش می کردند، پرسیدم این پارچه های **ویژه** از کجا می آید و چه کس یا کسانی آنها را در اختیار شما قرار می دهد. آنها پاسخی برای این سوال نداشتند، فقط گفتند پارچه زیاد است، رایگان است، آدمهای خیرخواه و مومن هستند که این پارچه ها را می خرند.

اگر واقعاً منابع تامین عزاداری های میلیونی و راه اندازی کاروانهای عظیم در سطح شهر، آدمهای خیر و مومن باشند، می شود حادثه امروز را اتفاق نام گذاشت و از کنار آن گذشت.

اما اگر تغییر مراسم عاشورای سنتی به عاشورای سیاسی، طرحی باشد که از کله چند مومن خیر افغانی بیرون نیامده باشد، **باید نگران بود**، نگران جرقه ای که اگر تبدیل به آتش شود تر و خشک زیادی را باهم خواهد سوخت."

(تکیه روی کلمات از من است. م. ف.)

بلی با دقت به نظر آقای داؤد ناجی در پی شناختن این بازی سیاسی شطرنج، در منطقه باشیم تا بتوانیم به حقایق نزدیکتر شویم.

اول تغییر مراسم عاشورای سنتی به عاشورای سیاسی در چنین اوضاع حساس چرا بمیان آمد؟ ضرورت آن چه بود؟ در حالیکه در سابق با احترام خاص از هردوجانب تشیع و تسنن "عزاداری عاشورا بطور سنتی در تکیه خانه ها و مساجد برگزار می [گردید] اما در سالهای اخیر، عزاداران کاروانهای هیات عزا داری تشکیل می دهند و از یک محل به محل دیگر می روند." و این یکنوع نمایش قدرت است که از جای مغرض اعمال میشود تا وحدت مذاهب و اقوام را در افغانستان بی توازن ساخته ضربه بزند.

همانطوریکه به همگان روشن است پاکستان با گاوزوری میخواد اعمال نفوذ کند ولی ایران بسیار محیلانه و ریاکارانه آهسته آهسته میخواد شیرازه قوی وحدت ملی افغانستان را صدمه بزند. که اعمال پاکستان و ایران از آغاز جنک تا کنون در کشور **اظهر من الشمس است.**

شور بختانه (در بین مدت تقریباً چهار دهه) شطرنج بازی های سیاسی، چنان محیلانه میخوانند کاری کنند که هم لعل بدست آید و هم بظاهریار نرنجد.

اکنون خواست های جامعه جهانی وامریکا را باشراکیش یکطرف میگذاریم و فقط مختصراً به دوکشور همسایه، پاکستان و ایران میپردازیم.

پاکستان با رشد نیروهای شیطانی در قلمرو خودش و تکیه بر "سازمان همکاریهای شانگهای" میخواد ثابت کند تا در برابر خواسته ها و نفوذ پاکستان در منطقه نباید کسی سهل انگاری وبی توجهی نماید. زیرا این کشور اکنون مخربترین وقویترین اسلحه جهان را در دست دارد که تمام جهان از داشتن چنین اسلحه عاجز است. این اسلحه خطرناک، جوانان تربیه شده انتحاری، تولید فابریکات مدارس اسلامی پاکستان میباشد. البته این مدارس اگر قبلاً از جانب انگلستان و امریکا طرح ریزی و تقویه میشد هم اکنون از طرف ایران القاعده و شرکایش پشتیبانی و تقویه میشود (بظاهدلیل موجودیت جامعه جهانی در منطقه). چرا؟ بخاطریکه ثبات در افغانستان سبب تجزیه و سقوط دولتین ایران و پاکستان میگردد ازینرو ثبات افغانستان به صلاح دوکشور یاد شده به هیچ وجه نیست. ازینجاست که منافع پاکستان و ایران از یک گریبان سر بیرون میکنند.

#### برمیگیریم به حادثه اسفناک روز مقدس عاشورا.

از آنجاییکه افغانستان به اشاره چشم امریکا وشرکایش در کانفرانس اول بن تا حدی وسیع به جنایتکاران و جنگ سالاران قومی سپرده شد دولتی بمیان آمد متشکل از جهادی های رنگارنگ معامله گربسود امریکا به اضافه چند عنصری برای دیکوراین نمایش.

این معامله امریکا بیانگراین بود که از یک جانب مزدورانش (قاتلین و جنایتکاران جنگی افغانستان) را دوباره اختیار دار مقرر نموده و از جانب دیگر سرنوشت مردم را بدست جنایتکاران جنگی بسپارد و به این وسیله بتواند ملت و وحدت ملی افغانستان را در گروگان داشته باشد تا هیچکس مانع آزادی عمل امریکا و شرکایش در افغانستان شده نتوانند. با این ترفند امریکا قادر میشود مردم را وادار نماید تا از جنگسالارانیکه باعث بریادی شان شده اند، ناچار اطاعت کنند. با این گردن گذاری جبری مردم در برابرجنایتکاران جنگی، امریکا توانست ایجاد نفاق بین جنگسالاران رابه نفع خود سامان دهد تا جنایتکاران و جنگ سالاران نتوانند موفق به اتحاد شوند و از ترس دشمنی جنگسالاران رقیب، باید در اطاعت از اوامر امریکا قرار داشته باشند. بطور واضح شاهد هستیم که هرگاه یکی از جنایتکاران نازدانه جنگی نخواست سر اطاعت به دولت مرکزی داشته باشد، امریکا با شرکایش او را مستقلانه منحیث یک دولت استقبال مینمود تا این نازپروردگان، آزرده خاطر نشوند و همین وضع به نفع مدیریت امریکا و شرکایش در منطقه بود. بطورمثال تورن اسماعیل سلطان مستقل و مطلق العنان هرات، گل آقا شیرزی سلطان مطلق العنان قندهار و بعداً ننگرهار و هم اکنون عظامحمد نورسلطان مطلق العنان بلخ، عبدالرب سیاف سلطان مستقل خارج ازچوکات قانون دولت، عبدالله عبدالله دولت مستقل غیر رسمی در چوکات افغانستان و...و... این ترفند باعث شد که افغانستان دولت داشته باشد فاقد اراده، اداره و صلاحیت که نه اردو ونه وزارت داخله و نه امنیت ملی که از دولت مرکزی اطاعت کنند. این سه نهاد ضروری وحتمی امنیتی با قوه قضایی از اراده و اداره دولت خارج بود و است. همچنان وزارت دفاع تبدیل به مؤسسه شده تا در خدمت لشکر جنگی جنایتکاران و جنگسالاران باشد. این مؤسسه (وزارت دفاع) مجبور است آموزش نظامی و تمویل معاش البسه به نفع جنگ سالاران را بعهده بگیرد. با توظیف وزارت دفاع منحیث یک مؤسسه به چنین خدمتگزاری؛ جنگسالاران و جنایتکاران جنگی توانستند مصارف لشکر شان را از جیب خود متوقف و از بودجه بیت المال (جیب مردم) تمویل نمایند. (وزارت دفاع دولت ملانصرالدینی)

با ایجاد چنین اوضاع در چوکات به اصطلاح دولت افغانستان، امریکا نمی خواهد که جنگ سالاران و جنایتکاران، یکدست باشند. زمینه تفرقه مادی جنگسالاران با روپوش تفرقه قومی سبب شد تا ظاهراً تضاد قومی وحشتناک درچنین اوضاع شکننده (به زیان افغانستان و به نفع امریکا) درمیان سربلند نماید. با استفاده ازین تضاد

بیشتر جنگسالاران و لشکر وابسته به آنها که البته از لحاظ کیفی صیغه خاص قومی دارند. باعث میشود که به امریکا منحیث حامی سمپتی نشان داده وابستگی شانرا به امریکا که مدیریت کامل را در افغانستان دارد، داشته باشند.

حالا که منافع جنایتکاران جنگی در امرحمايت امریکا نهفته است. پس حمايت همسایگان مثل پاکستان و ایران واضحا کمرنگ می شود. این وضعیت و انگیزه باعث میگردد که پاکستان بوسیله گاوزوری بیشتر برای غرب بچه ترسانی کند. تا منافع خود را در افغانستان حفظ نماید، که درین راه، (قدری) پاکستان بسیار موفق است.

**ایران**، ایران میببند، حمايت امریکا از تشیع سیاسی افغانستان، باعث میشود که این نیرو را کلاً از دست بدهد، پس باید به تفرقه مذهبی متوسل شود تا به این وسیله بتواند پیروان و سران تشیع سیاسی را باترساندن از بخش عظیم تسنن افغانستان دوباره به چنگ آورد و آرزوی تجزیه افغانستان را با داشتن بخش تشیع آن عملی نماید. با وجود اینکه روز بروز اعمال جنایی ایران در برابر افغانها و بخصوص تشیع افغانستان در تزايد است.1. درین بازی حساس شطرنج سیاسی، ایران با حادثه خونین عاشورا ضربه را چنان ماهرانه وارد میکند که هیچ کس متوجه حيله ونیرنگ پنهانی وی نمیشود. از جانب دیگر ایران با این عمل میخواهد تشیع سیاسی ریمده از دولت مزور آخوندی ایران را دوباره به ایران رجعت بدهد تا دوباره محتاج بحمايت ایران گردند.

با ارزیابی از جزئیات این حادثه خونین درخواهیم یافت که جریان میتواند به نفع کی بیشتر باشد؟ هرگاه این عمل به نفع پاکستان ازریابی شود مفاد پاکستان درتناسب با مفاد ایران بسیارکتر است.

ایرانی ها در ماجرای افشار و در غرب کابل در دهه نود میلادی نیز به هر دو طرف جنگ سلاح میرسانند. کمی تعمق نشان میدهد که دو طرف جبهه جنگ آن زمان چگونه به ایران وابستگی های خود را داشتند. اما دهه نود میلادی با تمام توطئه های خونبار پاکستان و ایران صرف و صرف بر اثر بیداری مردم شیعه و سنی به جنگ مذهبی تبدیل نگشت، هر چند که تنظیم های وابسته به هر دو کشور یاد شده با رژیم های شیطانی، نیز کارگزار این سیاست ها بودند.

در آغاز ایران به تغییردادن مراسم عاشورای سنتی به عاشورای سیاسی یک چال شطرنج را پیش کش نمود که خوشبختانه اکثریت تسنن افغانستان با خبرگی و بخصوص احترام به برادران تشیع افغانستان (ناشی از احترام متقابل تاریخی بین آنها) این توطئه را با بردباری وسکوت آگاهانه تحمل نمودند و دم برنیاوردند تا تضاد بین تسنن و تشیع که ایران آرزویش را داشت، اوج نگیرد. ازینرو این نیرنگ خام ایران تا جایی کارایی خود را از دست داده بود. هم اکنون که ایران با دست خالی روبه ناکامی است و تسنن افغانستان خوشبختانه شدت عمل نشان ندادند. ایران نیرنگ دیگری را به آزمایش گذاشت که اینباربرعکس، میخواهد احساسات تشیع را در برابر تسنن تحریک نماید. تا به این وسیله ارتباط انسانی و برادرانه پیروان این دو مذهب را در افغانستان جریحه دار ساخته هر دو را به میدان جنگ بمصاف بکشاند. اینست عمق تراژیدی حادثه خونین روزمبارک عاشورا.

منظور ایران از ایجاد چنین حوادث خونبار و تکان دهنده این است که از میان تشیع افغانستان برای خود لشکر مقتدا صدی مثل عراق و حزب الله مثل لبنان درست کند که خاک افغان های شیعه و سنی را با خون شان سرخ گرداند، تا این بار با گشودن جبهه دیگر برای دفاع از رژیم ولایت فقیه در افغانستان، با همه لاف و گزاف دو باره مجبور به نوشیدن زهر نگردند.

اما اینکه لشکر جنگوی پاکستان مسؤلیت حادثه را به عهده گرفته است. خود روشن است که چرا لشکر جنگوی دست به چنین عمل بزند که صد درصد به نفع ایران باشد. تضمین مسؤلیت پذیری حادثه خونین عاشورا از طرف لشکر جنگوی پاکستان پرده از زدوبند های پنهان دیگر پشت پرده برمیدارد به این معنی که ایران خواسته باکانال های استخباراتی آدرس عامل اصلی این حادثه را به آدرس عامل جعلی عوض کند تا مردم به اصل نیرنگ پی نبرند و پروژه اش برهم نخورد.

درین میان سوال خلق میشود که دربین اینقدر دسته های ترورستی فراوان پاکستانی چرا لشکر جنگوی به رهبری علی شیرخدا رهبر این گروه، مسوولیت را بعهده میگیرد.2. و دیگران ابا میورزند؟ این نشانه تبنانی غیر ملموس ایران و لشکر جنگوی را تضمین میکند. نمونه این چنین تبنانی ها، یکی هم وابستگی های گلبدین در گذشته بود که غرض منافع خود گاهی با عوض کردن رنگ دستار با ایران میساخت و ایران وی را در آغوش می کشید و گاهی هم با پاکستان و پاکستان او را در آغوش مینشاند.

اینکه لشکر جنگوی پاکستان (در بدل پذیرش صرف مسؤلیت بی زحمت) صاحب میلیون ها دالر میشود و از جانب دیگر مفت و مجانی نمایش قدرت میکند. هیچ جای تعجب ندارد، زیرا این معامله گران جنگی همه در برابر پول نه خدا را میشناسند. نه مردم را، نه انسانیت را و نه تضاد سلیقوی و آیدیولوژیکی و تاکتیکی را زیرا مقصد اصلی تمام آنها انبار سرمایه و قدرت است و بس.

**اینکه گماشتگان ایران در دولت افغانستان تلاش دارند تا حادثه را مطلق بگردن پاکستان اندازند بیشتر از بیش قابل مکت است.**

پاکستان چه در پشت این حادثه باشد یا نباشد، آنقدر جنایت در افغانستان مرتکب شده که لکه هایش با آب های اقیانوس ها هم شسته نمی شود. اما ایران، همانطور که در بالا اشاره کردم، ایران در مخاطره موجود می کوشد از تشیع

سیاسی افغانستان مثل لشکر مقتدا صدر و غیره در عراق و حزب الله در لبنان را بسازد، تا همیشه کمر بسته در خدمت منافع ایران (همانطور که هزاران جوان شیعه ما را در جنگ ایران و عراق بر روی زمین های پر از مابین بعنوان پیشمرگان فرستادند) جبهه و لشکری آماده داشته باشد که با ریختن خون شیعه و سنی افغان ها، منافع خود (ایران) را تأمین نماید.

ولی تاریخ ثابت کرده است که شلاق استبداد و استعمار رنگارنگ در افغانستان پشت تمام مردم اعم از مذاهب و اقوام را زخمی نموده است. اما وحدت این مردم چنان خارا این بوده است که نه استبداد داخلی و نه استعمار خارجی هیچکدام نتوانسته اند، در آن خراشی ایجاد کنند. حادثه کنونی با تمام دردناک بودن آن یک بارقه امید را نیز با خود همراه داشت و آن بیداری و تکیه بر وحدت از طرف بخش های مذهبی بود، که جنایتکاران پشت پرده این حادثه را تلخکام نمودند.

یقین دارم که جامعه سنی و شیعه افغانستان با درایت و خبرگی که از خود نشان دادند، هیچکدام بدام توطئه های پیش پا گسترده شده نمی افتند و بر وحدت تاریخی خود همچنان پایرجا باقی می مانند.

---

1: این تزايد مربوط به خصلت ذاتی رژیم ولایت فقیه میباشد که نه تنها علیه بیگنگان بلکه مردم شریف ایران نیز اعمال میشود.

2: شعيب حسن، خبرنگار بی بی سی، در مکانی مخفی در بلوچستان پاکستان با علی شیر خدا، رهبر لشکر جنگوی افغانستان دیدار کرده است.

او [علی شیر خدا] به خبرنگار بی بی سی گفت که این گروه رسماً انفجار کابل را تأیید نکرده، اما انکار نمی کند که یکی از اعضایش این انفجار را ترتیب داده است. این گفته بسیار قابل مکت است تکیه بر کلمات ازمین است. م. ف

[http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/12/111209\\_110\\_afghan\\_lashkar\\_jhangvi\\_iv.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2011/12/111209_110_afghan_lashkar_jhangvi_iv.shtml)



---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادښت: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ